

سعید جلائیان | به تنها چیزی که شباهت داشت، کارخانه تولید محصولات خوراکی بود. با وجود این، هر روز تعدادی اوقات با برخی اقلام به این کارگاه وارد و پس از این باکارتن گاشان خارج می شد. به تدریج این مشکوک به این کارگاه سبب شد مأموران به دنبال اجرای طرح های مستمر نظارت بر کارگاه ها و واحدهای صنعتی، کارپایش اطلاعاتی این کارگاه را آغاز کنند. کارپایش به دنبال آن مشخص شد مالک کارگاه با مشارکت دو تبعه غیر مجاز، در شرایطی کاملاً غیربهداشتی اقدام به تهیه و فروش روغن های خوراکی تقلبی در بازار می کند. با تأیید این گزارش، مأموران پاسگاه هلالی با هماهنگی مقام قضایی اداره بهداشت، در عملیاتی ضربتی وارد این کارگاه شدند. مأموران در بدو ورود ضمن دستگیری مالک کارگاه و دو تبعه غیر مجاز که مشغول تولید روغن تقلبی بودند، در بازرسی از کارگاه موفق به کشف ۱۰۲ کیلوگرم بیست لیتری روغن تقلبی و صد بطری یک لیتری روغن خوراکی با برچسب تقلبی، کشف کردند. این روغن ها در یک مخزن بزرگ روغن، تعداد زیادی برچسب تقلبی و بیش از هزار عدد بطری خالی شدند. با پلمب کارگاه و انتقال متهمان به مقر پلیس، آن ها در بازجویی فنی اعتراف کردند که در وضعیتی غیربهداشتی، روغن های تولید شده را پس از بسته بندی به نام یک شرکت مغفول بدون درج تاریخ تولید و انقضا روی بطری در بازار می فروشند.

A close-up photograph of a person's hands, which are secured in blue metal handcuffs. The person is wearing a blue and white horizontally striped long-sleeved shirt. The hands are positioned in front of the person, with the fingers slightly curled. The background is a plain, light-colored surface.

با کشف تریاک از این جوان، یک مسافر دیگر هم توجه مأموران را به خود جلب کرد؛ جوانی که مأموران در بازرسی از وسایل او نیز موفق به کشف ۲ هزار قرص غیر مجاز و مخدر شدند. با دستگیری این دو متهم، تحقیقات پلیس از آن‌ها برای کشف جرائم احتمالی ادامه دارد.

سعید جلایان! زو ج جوان با ظاهری موجه و چهره‌ای دوست‌دانه، به خانواده‌های که مشغول خرید لباس بودند، نگاه می‌کرد. او مدام و مدام می‌دادند. آن‌ها یک‌بار جلایان را دیدند و می‌پنداشتند که او همان جوانی است که در خانواده صمیمی شده بود. بعد از آنکه به یک باره غیب شوند، برای خرید آن‌ها راه‌های می‌کردند. لحظاتی پس از آن پدید آمدن این زوج، مادر خانواده متوجه به سرفت رفتن گوشی تلفن همراهش شد، تلفن همراهی که روشن بود. او گوشی تماس‌ها را رد و شماره‌ها مسدود می‌شد. این خانواده بلافاصله موضوع را به پلیس گزارش دادند: گزارشی که تیمی از مأموران دایره تجسس کلانتری شیرازی، مسئول رسیدگی به آن شد. تیم تحقیق با حضور در محل سرقت موفق شد با بررسی تصاویر دوربین‌های مدار بسته در محل، مشخصات ظاهری زوج جوان را با انگشت‌های پلیس اعلام کند. آن‌ها اعلام می‌کردند که پلیس بیشتر از سی دقیقه نگذشته بود که یکی از انگشت‌های پلیس در محدوده محل سرقت موفق به شناسایی زوج سارق شد. مأموران بلافاصله با هماهنگی مقام قضایی راه این زوج متهم را بستند و در بازرسی آن‌ها موفق به کشف چهار گوشی مسروقه شدند.

با انتقال این زوج به کلانتری شیرازی به هماهنگی مقام قضایی، گویی های هرمان به دست آمده از متهمان بررسی شد. گویی هایی که در آن هم اثر افرادی با نام های سیت اله واسطهگر، قهرست تماس ها و پیام های مسدود شده، توجه را جلب کرد. در بررسی نرم افزارها هر سیت اله، گویی ها مشخص شد این زوج علاوه بر سرقت گویی، متهم به کلاهبرداری حرفه ای با کمک دریافت بیعانه هم هستند. متهمان که در ابتدا متکبران ارتکاب هرگونه جرمی می شدند، در بازجویی فنی پلیس با اشاره به مستندات کشف شده از گویی های مسروقه، اعتراف کردند که با کمک دیگران آگهی در سایت ها واسطهگر و ثبت آگهی رهن و اجاره واحد مسکونی در تهران، از شازنده مال باخته کلاهبرداری دیگر کرده اند. این افراد، تحقیقات پلیس برای کشف دیگر جرایم این زوج چون ادامه دارد.

بخشند! سانحه آن قدر سریع و غیرمنتظره رخ داد که راننده اتوبوس پس از شنیدن صدای برخورد و فریاد مسافران متوجه شد با چیزی برخورد کرده است؛ راننده‌ای که پس از مشاهده دو چرخه و راکب سالمندش با نیروهای امدادی و پلیس تماس گرفت. با اعلام خبر برخورد این اتوبوس با دو چرخه، بلافاصله نیروهای امدادی و پلیس راهی محل سانحه در شهرک گلشهر شدند. اما مددگران با حضور در محل و بررسی هر دو مصدوم، تمام تلاش خود را برای نجات دو چرخه سواران شصت و هشت ساله که دچار جراحات شدیدی شده بود، بیکار بستند. با وجود این، تلاش آن هانچیه نداد و مصدوم در مسیر بیمارستان جان باخت.

بارگ این دو چرخه سوار، پلیس تحقیقات خود را درباره چگونگی بروز این سانحه مرگ بار آغاز کرد.

شنبه
۲۸ تیر ۱۴۰۴
۲۳ محرم ۱۴۴۷
شماره ۵۲۳۳

اگر

محمد جواد ابوعطا

گزارش

«فائزه»، زن جوانی که جمعه هفته گذشته همسرش (حمید، ن) را با دستاش خفه کرده و بعد با چاقو به جسدش حمله کرده بود، با دستورات قاضی وحید خاکشور، بازپرس جنایی، به صحنه جرم به خیابان نجف در بولوار توس بازگردانده شد تا آنچه رامیان این زوج جوان رخ داده بود، بازسازی کند.

محل جنایت در میانه یک کوچه باریک بود که اگر محل از یک طرف خودرویی وارد می شد، به هیچ نوع امکان درازدن نداشت و باید تا انتهای کوچه می رفت. اواز کوچه بعدی راهی خیابان اصلی (نجف) می شد. با حضور خودروهای پلیس، این کوچه خود به خود مسدود شد. در ادامه زنی سی ساله با هدایت سرهنگ مرادی (افسر پرونده) به خانه ای حدوداً پانجاه متری وارد شد که لوازم زندگی زیادی نداشت؛ خانه ای کوچک که تا پیش از جمعه هفته گذشته، محل زندگی به نظر آنجاود چهارنفره بود و پیش از بازسازی نیز به مکتور انجام تحقیقات جنایی، پلمب شده بود.

با ورود فائزه به این خانه، زن درحالی برابر دوربین، قوه قضاییه قرار گرفت که با لکنت زبان به مقام قضایی اعلام کرد قبلیش گاهی درد می کند و در گذشته دارو می خورد است. این زن که متهم به قتل همسرش است، به بازپرس جنایی توضیح داد: حمید پسرعمه ام بود و ما سال ۱۳۹۶ ازدواج کردیم. از یک سال پیش این خانه را اجاره کردیم.

- از اول ازدواجمان حمید معتاد بود
او درباره اینکه حمید از چه زمانی معتاد شده و چه
موادی مصرف می کرده است، توضیح داد: حمید از اول
ازدواجمان معتاد بود. اول شیره تریاک می کشید و بعد

فائزه درباره اتفاق های شب جنایت اعتراف کرد. ساعت هشت شب بود که رفتم پارک. وقتی برگشتم، حمید را با خودم دیدم. به او چیزی نگفتم؛ چون می دانستم حمید خستار و من را می زند. فلیش هم گفته بود که می خواهد شربت بخورد. او بیرون رفت و من شام پچه های را دادم و کتک آن ها را خواندیم. وقتی حمید برگشت، من را ریاپار داد. گفت پول نشئه ام را بده، گفت ندارم و من وظیفه ندارم که پول نشئه تو را بدهم، تازه تو باز خرج زن و پچه هایت را بدهی، اینجا دو عیالمان شد. گفتیم: برون که گفت: (نمی روم). بعد زد توی گوشم. گویم: (زیرک)؛ حمید بد است؛ او موهایی را نفهمد و سرم را زرد به دیوار. حالم به می خورد و اقدام و ناهنجاری چه شد. بعد که دید بی حال افتاده ام، گفت: (بلند شو، غلب دیوار می آتیه کرد)؛ گفتیم: (حمید، چرا می خواهی دیوار می آتیه و حالم را بده می کنی)؛ باز هم دعا کردیم.

- این متهم به قتل دربارۀ اینکه چطور او روی زمین افتاد، معترف شد: خودش خوابید؛ چون با سر شیشه دو بار متادون خورده بود، گیج بود. من رفتم بالای سرش، باهاش رگذاشتم روی دست هایش و گردنش

شوهرم راهمیشه دوست داشتم!



اودر پاسخ به اینکه چرا حمید موقع کشف جسد، لخت بوده و فقط یک شرت به پا داشته است، مدعی شد: «گرمیای بود و خودش لباسش را درآورد (زیر پوشه) و شولوارش در صحنه بود.

«تو خودت هم داد مصرف می کنی؟» متهم به قتل در پاسخ به این سؤال گفت: «خودم چیزی نمی کشم. قبلا سیگار می کشیدم و الان قلیان می کشم.

«کاراکری که کردی پشیمانی؟» این آخرین سؤالی بود که او متهم پرسیده شد و او با بیان اینکه پشیمانی است، توضیح داد: من بعد از حمید دیگر کسی را ندادم.

با خودم گفتم خدا چه جلوی کردم. بعد با خودم فکر کردم که همیشه دوستی داشتم و هر وقت رافقاییش دعوا می کرد، من خیلی از او دفاع می کردم.

رافشار دادم. او خمار بود و نمی توانست کاری بکند. داشت جانی می داد، پنج دقیقه هر تشنه که بلند شدم او توفتم چاقوی خود حیدر را از کیفش برداشتم. حیدر به او توفتی اتفاق بود و با دست راستم چندین ضربه به سر، صورت و گردنش زدم. فائزه درباره اتفاق های درباره قتل توضیح داد: رستم دوش گرفت و آمدم خوابیدم. صبح تکیاش دادم و گفت: «حمید بلند شو، صبحانه بخور.» بیدار نشد. رنگ زدم به مادرم و گفتم: «بیا حمید بیدار نمی شه.» مادرم آمد و گفت: «رنگ بز به برادرش.» برادرش گفت: «رنگ بز آمبولانس.» خودم رنگ زدم و گفتم: «خانم دکتر، سریع بلند شو بیا، شوهرم تمام کرده.» بعد دهنم زدم به بدنش. دیدم سرد است و فکهایم مرده و خودم رگزار کشیدم.

این خیابان که به‌دلیل خاموشی ناگهانی کولر از استخوان پریده بود و از این مردان پتجره دو مرد جوان را روی تیر برق و یک زن را از استخوان دید. این مردان به‌واسطه فاصله در تماس با پلیس ۱۱۰ موضوع گزارش کرد و به‌شهرنوردان هم‌هسایه‌ها خواب به‌سرآورد متهمان در خیابان رفتند. با حضور شهروندان در خیابان، همان ابتدا زن جوانی که در کنار ستون ایستاده بود، داد داد می‌زد و گفت: «محمد محمد» فرار کنید و پس از فشار به این هم‌دستانان با خریدن پشت فرمان یک خودرو از محل گریخت. با شنیدن این زن، دو سارق دست‌از‌پیردن کابل های برق کشیدند و از این جرایم برق‌بری کردند.

از سجاد مشهد منجر به افزایش شکایت های شهروندان به پلیس
سرقت هاء مدت دار ساعات اوليه باامداد انجام می شد و سارقان علاوه
بر تريب تجهيزات عمومي و خصوصي، اقدام به سرقت كنترل هاي برق
و مهم ها و كابل هاي فشارقوي می كردند. به دنبال ابرار این جرائم و
مشكلات ايجاد شده برای شهروندان، سرهنگان تريب خواجه بهر
رئيس كلانتری سجاد، تبیی از ماموران اداره تجسس این مركز
پلیس را مأمور رسیدگی به این پرونده كرد؛ تبیی كه در كنار انجام
تحقیقات میدانی، با ايجاد گشت زنی هدفمند مناطق آسیب پذیر
شده و در محدوده سجاد و معلم و بهرگزهار را كه سرقت بیشتری از آن
می برد، روز نظر گرفت. تلاش پلیس برای شناسایی متهمان اداء
ت تا بنوك ساعت 3 باامداد روز گذشته برقی یکی از خیابان های منطقه
لال آل احمد به يك باره قطع شد. هم زمان با قطع برق یکی از ساكنان

مرز مستقر شدند. مرزبانان با بازرسی کامل خودروهای سوار و سنگین برداشتند. تلاش مرزبانان هم مرزی که اندک برای کشف این محموله در حالی ادامه داشت که راننده جوان یک دستگاه تریلی میسرینگ یک تانکر مرزبانان را به خود جلب کرد؛ کامیونی که راننده اش با دیدن مرزبانان دچار استرس شد بود، تانچا که با این ادعا که برای نذران، از مرزبانان خواسته اجازه دهند زودتر از مرز عبور کند، درخواستی که تنها مورد قبول واقع نشد، بلکه مرزبانان به بازرسی دقیق و کامل درختی او پرداختند. همان طوری که راننده گفته بود، در خودروی او تریلی هیچ وسیله یا مورد مشکوکی وجود نداشت؛ با این حال مرزبانان با یورو به قسمت کامیون راننده، موفق به کشف ۴۱ بسته مواد مخدر حاوی ۵۱ کیلو و ۴۰۳ گرم شیشه سفید؛ موادی که به شکل همانرانی در پشت یک درخت آهنی جوش خورده و در انتهای کابین جاساز شده بود. با کشف این مواد،

به جلائیان ا درحالی که به واسطه
جست و جوی روانه در هزاران تبعه می‌جایز
است، می‌فرمایند از استان زوهای
نیستی، می‌گذارد، اما از مبادی ورودی به
افل نشده، بلکه با بالاپردن اشراف
ش از گذشته در تبعه اشراف خارجی را
موضوعی که سبب به دست آمدن
ورود یک محموله مبادی مخدر به
مرزی تایباد شد. به دنبال این
ار، مجید شجاع، فرمانده مرزبانی
، ویژه از کابینه مبارزه با مواد مخدر
، با مأمورین محاصره ای کرد که
به دست آمده، قاچاقچیان قصد
ورود و تبعه را در کشورمان کنند،
زوهای ویژه هرگز تایباد را
، درجه منطقه در مبادی ورودی



مشخص شد باک تریلی حاوی ۶۹ کیلو و ۹۸۰ گرم مواد مخدر از نوع شیشه مایع بوده است. راننده تریلی پس از کشف محموله‌ای به وزن ۱۱۱ کیلو و ۸۲۰ گرم مواد مخدر از نوع شیشه به مقام قضایی تحویل و خودروی او توقیف شد.

راننده دستگیر و تریلی برای بازرسی بیشتر به پارکینگ منتقل شد. مرزبانان در بررسی های بیشتر متوجه شدند که به جای سوخت، در باک تریلی مواد مخدر مایع قرار دارد؛ موادی که با تخلیه باک، چهار گالن پر شد. با بررسی مواد به دست آمده از باک تریلی،

[illegible]